



Structure of Nominal Group in Golestan and Baharestan (Use of Syntax in Literary Stylistics)

Mohammad Bagher Mirzaei Hesarian ¹

1. Assistant Professor of the Department of Teaching Farsi to Non-Persian Speakers, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-Mail: mb.mirzaei@hum.ikiu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 15 November 2022 Received in revised form 3 January 2023 Accepted 30 January 2023 Published online 26 May 2023</p> <p>Keywords: Stylistics, Golestan, Baharestan, Structural Construction, Nominal Group.</p>	<p>Jami has Composed Baharestan According to the Characteristics of Golestan. Despite the Greater Tendency of both Works to use the Pole of "Selection" Instead of "Combination", the Problem Arises that Despite the Fact that the Two Works that are Close to Each other in Terms of Style, what Characteristics they have in Terms of Language and what are the Linguistic Similarities or Differences Between the two. In this Research, the Structure of the Nominal Group (NP) as one of the Important Structures of the Language in a Corpus taken from Examples from Golestan and Baharestan has been Investigated in a Descriptive-Analytical way. The Findings of the Research show that the Frequency of NPs in Golestan is more than that of Baharestan. Also, the Frequency and Relative Frequency of NPs Without Dependents is more in Golestan than that of Baharestan. Examining Dependents in NPs shows two Results that the Constructions "head+noun", "head+adjective" and "head+noun group" are the Dominant Constructions of Single Dependent NPs and "relative clause" is as the Dominant Posterior Dependent of NPs in Golestan and Baharestan. On the other hand, the Constructions "quantifier + head", "head+ noun", "head + adjective" and "head + noun group" are the Dominant Constructions of single Dependent NPs in Golestan and the Constructions of "indefinite adjective + head", "head + noun", "head + adjective", "head + relative clause", "head + NP" and "head + prepositional group" are the Dominant Constructions in Baharestan.</p>

Cite this article: Mirzaei Hesarian, M.B. (2022). Structure of Nominal Group in Golestan and Baharestan (Use of Syntax in Literary Stylistics). *Rhetoric and Gramer Studies*, 12 (22). 21-38. DOI: <https://doi.org/10.22091/JLS.2023.8778.1447>



© The Author(s)
DOI: <https://doi.org/10.22091/JLS.2023.8778.1447>

Publisher: University of Qom

ساخت سازه‌های گروه اسمی در گلستان و بهارستان (کاربرد نحو در سبک‌شناسی ادبی)

محمدباقر میرزایی حصاریان^۱

۱. استادیار گروه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: mb.mirzaei@hum.ikiu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p style="text-align: center;">نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p style="text-align: right;">تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴</p> <p style="text-align: right;">تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳</p> <p style="text-align: right;">تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰</p> <p style="text-align: right;">تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵</p> <p style="text-align: right;">کلید واژه‌ها: سبک‌شناسی، گلستان، بهارستان، ساخت سازه‌های گروه اسمی.</p>	<p>جامی بهارستان را متناسب با ویژگی‌های موجود در گلستان سعدی تألیف نموده است. این موضوع در یک نگاه کلی نیز قابل مشاهده است. با وجود گرایش بیشتر هر دو اثر در کاربرد قطب «انتخاب» به جای «ترکیب»، این مسأله پیش می‌آید که دو اثر که به لحاظ سبکی نزدیک به هم هستند، به لحاظ زبانی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند و چه شباهت‌ها یا تفاوت‌های زبانی بین آن دو وجود دارد. در این پژوهش سازه گروه اسمی به عنوان یکی از سازه‌های مهم زبان در پیکره‌ای برگرفته از نمونه‌هایی از گلستان و بهارستان به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در مجموع فراوانی گروه‌های اسمی گلستان بیشتر از بهارستان است. همچنین فراوانی و فراوانی نسبی گروه‌های اسمی بدون وابسته در گلستان بیشتر از بهارستان است. بررسی وابسته‌های هسته در گروه‌های اسمی دو اثر نشان از آن دارد که ساخت «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی»، ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته و «بند موصولی» به عنوان وابسته پسین غالب گروه‌های اسمی دو وابسته گلستان و بهارستان است. از سوی دیگر، ساخت‌های «سور+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته گلستان و ساخت‌های «صفت مبهم+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی»، «هسته+گروه اسمی» و «هسته+صفت بیانی»، «هسته+بند موصولی»، «هسته+گروه اسمی» و «هسته+گ.ح.ا.» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته بهارستان هستند. به نظر می‌رسد ساخت سازه‌های گروه اسمی می‌تواند به عنوان ابزاری نحوی برای شناسایی دقیق‌تر شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار گوناگون ادبی استفاده شود و با طرح فرضیه‌هایی به نمایان شدن ویژگی‌های سبکی فردی و اجتماعی در آثار ادبی کمک کند.</p>

استناد: میرزایی حصاریان، محمدباقر. (۱۴۰۱). «ساخت سازه‌های گروه اسمی در گلستان و بهارستان (کاربرد نحو در سبک‌شناسی ادبی)». *پژوهش‌های دستوری و بلاغی*. دوره ۱۲، شماره ۲۲، صص: ۳۸-۲۱. DOI: <https://doi.org/10.22091/JLS.2023.8778.1447>

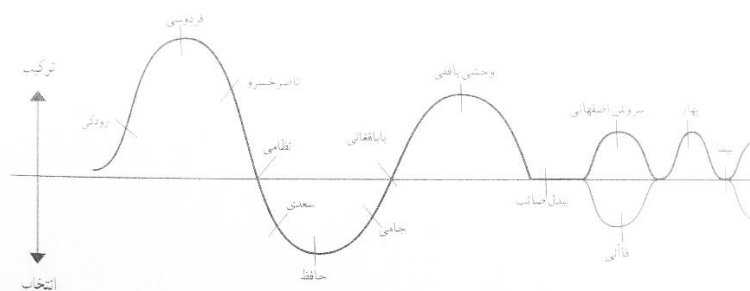


© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه قم

۱) مقدمه

معمولاً سبک را به لحاظ سنتی شیوه بیان نویسنده یا شاعری تعریف کرده‌اند که اگر در یک دوره متداول گردد، سبک دوره‌ای را تشکیل می‌دهد (رک: انوشه و همکاران، ۱۳۷۶: ۷۸۵). صفوی (۱۳۹۰: ۲۰۱-۱۸۱) ضمن بیان مطالبی در نقد سبک‌شناسی سنتی ادب فارسی، در تأیید آرای یا کوبسن در مورد قطب‌های استعاری (فرایندی که صورتی را از محور جانشینی انتخاب می‌کند و به جای صورت دیگر می‌نشانند) و مجاز (فرایندی که صورتی را بر روی محور همنشینی در کنار صورت دیگری قرار می‌دهد) و میزان استفاده از هر یک از این دو قطب برای تشخیص سبک، سخن به میان آورده و با طرح پیشنهادی در سبک‌شناسی ادب فارسی، معتقد است میان «انتخاب» و «ترکیب» نوعی تراز وجود دارد؛ به این معنی که هر اندازه گرایش به «انتخاب» بالاتر رود، از اهمیت «ترکیب» کاسته می‌شود. عکس این مطلب نیز صادق است. وی این گرایش را در ادبیات به مجموعه‌ای از شرایط برون‌زبانی وابسته می‌داند که هدف خالق اثر را می‌نماید. ۲. به گفته وی در سنت ساخت‌گرایان، سبک چگونگی قاعده‌گامی و قاعده‌افزایی و بسامد وقوع آن در یک دوره است. به این ترتیب، سبک دوره‌ای، شکل اجتماعی شده سبک‌های فردی است و اگر بخواهیم آن را با «زبان» و «گفتار» سوسور مقایسه کنیم، سبک فردی، بی‌شابهت به «گفتار» و سبک دوره‌ای بی‌شابهت به «زبان» نیست. به عبارت دیگر، سبک دوره‌ای شکل بی‌نشان ویژگی‌های مشترکی است که در سبک‌های فردی یک دوره به چشم می‌خورد. در این میان معمولاً سبک فردی یک یا چند نویسنده یا شاعر به پیش‌نمونه یک سبک دوره‌ای نزدیک‌تر است؛ برای نمونه سبک فردی فردوسی را در سرودن شاهنامه می‌توان نزدیک‌ترین نمونه به پیش‌نمونه سبک دوره‌ای «خراسانی» دانست؛ یا سبک فردی نظامی گنجوی را در همین شرایط برای سبک قرن ششم به حساب آورد. در چنین شرایطی می‌توان هر سبک دوره‌ای را در قالب منحنی‌ای ترسیم کرد که نزدیک‌ترین سبک فردی به پیش‌نمونه سبک دوره‌ای، در قله آن قرار می‌گیرد و دیگر سبک‌های فردی در دامنه این منحنی واقع می‌شوند. صفوی مراحل تناوب «ترکیب» و «انتخاب» را در آثار نویسندگان و شاعران برجسته را در سیر تاریخی به صورت نمودار زیر نشان داده است:



نمودار ۱: منحنی گذر از تناوب تاریخی «ترکیب» و «انتخاب» در سبک‌شناسی ادب فارسی

^۲ به نظر صفوی (همان) اگر شاهنامه فردوسی با گرایش به سمت قطب مجازی، یعنی همانا «ترکیب» بر روی محور همنشینی سروده نمی‌شد، این امکان نیز پدید نمی‌آمد که داستانی از آن خوانده شود و سپس به زبان خودکار نقل گردد. ولی سروده‌های حافظ با گرایش دیگری سروده شده است و «انتخاب» بیش از «ترکیب» اهمیت یافته؛ به همین دلیل شعر حافظ همان است که هست و خوانش‌های متعددی می‌یابد، زیرا هر خواننده‌ای انتخاب خود را از روی محور جانشینی برمی‌گزیند. در سروده‌های بیدل، «انتخاب» از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود، زیرا هدف تغییر کرده و اندیشه اجتماعی چنین گرایشی را مطلوب می‌بیند.

در این نمودار، حرکت منحنی در بالای محور افقی، نشان‌دهنده میزان گرایش به «ترکیب» و در پایین این محور نشانگر میزان گرایش به «انتخاب» است. به همین دلیل، منحنی در دوره‌ای که به اصطلاح «سبک هندی» نامیده می‌شود، بر روی محور افقی قرار می‌گیرد و در دوره به اصطلاح تقلید از سبک‌های سنتی «خراسانی» و «عراقی» یعنی در «سبک بازگشت» منحنی حرکت سبک هم در بالا و هم در پایین محور افقی جریان می‌یابد. در نقاط مختلف این منحنی، نام شاعرانی ذکر شده است که آثارشان در مسیر این منحنی تأثیر داشته است (همان: ۲۰۱-۱۸۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص «انتخاب» وجه غالب و مشترک آثار سعدی و جامی است و هر دو از نظر میزان کاربرد «انتخاب» در آثار خود، با وجود فاصله زمانی حدوداً دو سده‌ای میانشان، تقریباً در یک سطح از منحنی قرار گرفته‌اند. به سخن دیگر، جامی بهارستان را متناسب با ویژگی‌های موجود در گلستان سعدی تألیف نموده و این موضوع در یک نگاه کلی نیز قابل مشاهده است. با وجود گرایش بیشتر هر دو اثر در کاربرد «انتخاب» به جای «ترکیب»، این مسأله پیش می‌آید که دو اثر (بهارستان و گلستان) که به لحاظ سبکی نزدیک به هم هستند، به لحاظ زبانی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند و چه شباهت‌ها یا تفاوت‌های زبانی بین آن دو وجود دارد.

یکی از سازه‌های مهم زبان، گروه اسمی است. گروه‌های اسمی در زبان فارسی به دلیل تعداد و نوع وابسته‌هایی که پیش و پس از هسته گروه اسمی می‌گیرند، از اهمیت شایانی برخوردارند. در واقع می‌توان چنین گفت که بخش قابل توجهی از مباحث دستوری در ارتباط با ساختمان دستوری گروه اسمی فارسی است. از سوی دیگر، این قابلیت در زبان فارسی وجود دارد که گروه‌های اسمی در لایه‌های گوناگونی درون سازه‌هایی همچون گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای به عنوان وابسته هسته سازه‌ها مورد استفاده قرار گیرند؛ از این رو، به نظر می‌رسد توجه به سازه گروه اسمی و ساختمان دستوری آن در آثار گوناگون از جمله آثار ادبی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای تعیین ویژگی‌های سبک فردی و اجتماعی استفاده گردد. در همین راستا، در این پژوهش تلاش شده است تا گروه‌های اسمی در گلستان و بهارستان مورد بررسی قرار گیرد. پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

۱) ساخت سازه‌های گروه اسمی در گلستان چگونه است؟

۲) ساخت سازه‌های اسمی در بهارستان چگونه است؟

۳) بین ساخت سازه‌های گروه‌های اسمی گلستان و بهارستان چه شباهت‌ها یا تفاوتی‌هایی وجود دارد؟

۴) ساخت سازه‌های گروه‌های اسمی تا چه اندازه شباهت‌ها یا تفاوت‌های گلستان و بهارستان را نمایان می‌کند؟

۱-۱) پیشینه پژوهش

به اعتقاد حاکمی (۱۳۷۷) مقبولیت کتاب گلستان سعدی باعث شد بعد از قرن هفتم هجری اولاً در شمار کتاب‌های درسی مبتدیان و فارسی‌خوانان در آید و ثانیاً چند بار مورد تقلید صاحبان ذوق قرار گیرد و از این راه کتاب‌هایی از قبیل: نگارستان معین الدین جوینی، خارستان (روضه خلد) مجد خوافی، بهارستان جامی و پریشان قاآنی به وجود آید. وی بهارستان را مهم‌ترین آثار ادبی جامی می‌داند که قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته است؛ ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده‌تر کردن شیوه انشای سعدی بوده و به همین سبب انشای بهارستان حتی در آن قسمت که

رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می‌رود، متمایل به سادگی است و شاید یکی از علل این تمایل، اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مؤلف بوده است. وی استشهاد به آیات قرآن کریم استفاده از احادیث و روایات مذهبی، استفاده از امثال و حکم، صنایع بدیعی از قبیل: جناس و تضاد و انواع تشبیه، کاربرد قواعد نادر دستوری، استناد به اشعار عربی و فارسی و اشتغال کتاب بر لغات و ترکیبات زیبای فارسی را برخی از ویژگی‌های نگارشی و ادبی بهارستان برمی‌شمارد.

به باور مظفری و گودرزی (۱۳۸۷) نخستین کسی که توانست در نثرنویسی، سادگی را با صنعتگری درآمیزد و از هر یک به اندازه لازم سود برد و به راه افراط و تفریط نرود، سعدی است. به اعتقاد ایشان، با وجود تقلید عده زیادی از نویسندگان و ادیبان بزرگ و استادان نظم و نثر از گلستان و شیوه نگارش آن، هیچ کس نتوانست در این کار توفیق چندانی یابد و آنچه به تقلید از گلستان نوشته شده، هیچ یک قابلیت آن را نیز نیافت که از نظر ارزش ادبی، بی‌فاصله بعد از گلستان قرار گیرد، تا چه رسد به آن که از گلستان درگذرد؛ چراکه نگاه به آثار تقلیدی از گلستان، نشان می‌دهد که توجه مقلدان بیشتر به ظاهر کتاب و طرز تنظیم و حتی نامگذاری آن معطوف بوده است و هیچ یک از آنان نخواسته یا نتوانسته‌اند روح زبان سعدی را درک کنند و هنری را که زبان وی را چنین زنده و پراحساس و کهنه نشدنی ساخته است، بشناسند. در این میان، بهارستان جامی نیز چنین وضعی دارد و بررسی هر دو اثر از لحاظ محتوایی، سبکی و بلاغی نشانگر آن است که بهارستان با گلستان قابل مقایسه نیست و فقط تقلید گونه‌ای از اثر جاودان سعدی است.

الهیان (۱۳۹۲) در بررسی زیبایی‌شناسی گلستان بر اساس نظریه زبان‌شناسی متن، معتقد است همه عوامل انسجام متن در گلستان حضور دارند، اما برخی به میزانی است که جزو ابزار نویسنده برای یگانه ساختن سبک خویش به شمار می‌آید. به نظر وی، از میان عوامل انسجام واژگانی، تکرار و از میان عوامل انسجام دستوری، حذف بیشترین کاربرد را در گلستان دارد. گذشته از این، سعدی با کاربرد بیشتر فرایندهای کلامی و رفتاری، از پیکربندی بافتی بدیعی استفاده کرده که مطابق نثر تعلیمی و مناسب ابزار انسجامی برگزیده‌ی او در این گونه ادبی است.

سرفراز (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی شکل‌شناسانه بهارستان جامی و التفصیل توللی با گلستان سعدی پرداخته است. نتایج بررسی وی حاکی از آن است که داستان‌های بهارستان و التفصیل از حیث شکل‌شناسی کیفیت و جایگاه مطلوبی دارند و جامی و توللی علاوه بر تقلید محتوایی گلستان از شکل و قالب داستان‌های سعدی نیز استفاده کرده‌اند.

رضوان‌طلب و امینی (۱۳۹۷) شباهت‌ها و تفاوت‌های گلستان و بهارستان را در سه حوزه ساختاری، زبانی و ادبی بررسی کرده‌اند؛ در حوزه ساختاری، تنظیم هر دو کتاب در هشت باب، ترکیب نظم و نثر در هر دو کتاب، تصنیفی بودن هر دو کتاب، پرهیز هر دو نویسنده از گردآوری مطالب دیگران و اتکای هر دو نویسنده به دانش و تجربیات شخصی خود، وجود برخی باب‌های مشابه در هر دو کتاب، کمرنگ بودن نقش زنان در هر دو کتاب، ترکیب عربی و فارسی و ارائه منظومه‌ای تربیتی در هر دو کتاب از مهم‌ترین شباهت‌های گلستان و بهارستان است و از نظر چگونگی تألیف و ترکیب باب‌ها، کوتاهی و بلندی عناوین باب‌ها، راوی صرف یا قهرمان بودن نویسنده در حکایت‌ها، وجود برخی باب‌های متفاوت، مستند بودن یا غیرواقعی بودن داستان‌ها و نوع ارتباط اشعار موجود در کتاب با متن حکایت‌ها با هم تفاوت دارند. در حوزه زبانی، نثر ساده، بی‌تکلف و همه‌کس فهم دو کتاب، مسجع بودن متن، استفاده از زبان مطایبه و طنز،

دوری از الفاظ نامأنوس و ترکیبات مشکل فارسی و عربی، استفاده از ترکیبات و واژگان بدیع فارسی و عربی و بهره‌گیری از امثال و حکم در هر دو کتاب، از مهم‌ترین شباهت‌های دو اثر است و تهی بودن بهارستان از وزن و آهنگ و آهنگین بودن زبان گلستان، گرایش سجع بهارستان به تکلف و سادگی و روانی سجع در گلستان، وجود اطناب مُمَل در بهارستان و ایجاز شگفت‌انگیز در گلستان و کاربرست اصطلاحات صوفیان در بهارستان و خالی بودن گلستان از این اصطلاحات، از مهم‌ترین تفاوت‌های دو کتاب در این حوزه است. در حوزه ادبی و بلاغی، گلستان مشحون از انواع صنایع بیان و بدیع است اما بهارستان در مقایسه با گلستان، کمتر به این آرایه‌ها پرداخته است. هر دو کتاب کم و بیش از آیات و روایات و اشعار و امثال عرب بهره برده‌اند، اما در این میان سهم جامی و بهارستان کمتر است؛ علاوه بر این، ارتباط موضوعات و تلفیق آن با متون عربی کتاب در گلستان روان‌تر، دقیق‌تر و ظریف‌تر است.

الحاجیه اردلانی، دستغیب و سیدصادقی (۱۳۹۷) در پژوهشی به سبک‌شناسی لایه‌ای گلستان سعدی در دو لایه کاربردشناسی و نحوی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد سعدی نگرشی اجتماعی با دیدگاهی اصلاح‌گرایانه و زبانی مردمی، سازنده و مؤدبانه دارد. جملات هسته‌ای گویای صراحت و بیان مستقیم وی است و این که سعدی از جملات خوشه‌ای به قصد انتقال پیام سریع‌تر و صریح‌تر به مخاطب کمتر بهره برده است.

ایشانی و برزگری (۱۳۹۸) به بررسی تفاوت‌های کاربرست فعل در بهارستان و گلستان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از مقایسه قسمت‌های منتخب، بیانگر کاربرست کمتر فرایندهای رفتاری و وجودی و بسامد بیشتر فرایندهای رابطه‌ای و مادی بوده است؛ به عبارت دیگر، استفاده از فرایندهای مختلف به مضمون و محتوای دو اثر بیش از سبک نگارش و ویژگی‌های زبانی آن‌ها وابسته بوده است.

از نظر باطنی (۱۳۹۲) گروه اسمی زبان فارسی از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه مسندالیه، متمم و گاهی نیز جایگاه ادات را اشغال می‌کند. هر گروه اسمی در فارسی از یک هسته و تعدادی وابسته که در دو طرف هسته قرار می‌گیرند، ساخته می‌شود. وابسته‌هایی که پیش از هسته قرار می‌گیرند، وابسته‌های «پیشرو» و وابسته‌هایی که پس از هسته می‌آیند، وابسته‌های «پیرو» نامیده می‌شوند. ملاک تشخیص این سه عنصر (وابسته پیشرو، هسته و وابسته پیرو) از یکدیگر «اضافه» است. حداکثر چهار وابسته پیشرو می‌تواند در جلوی هسته قرار گیرد و بین آن‌ها و نیز بین وابسته پیشرو و هسته، «اضافه» به کار نمی‌رود. حداکثر پنج عنصر هم می‌تواند جایگاه وابسته‌های پس از هسته را اشغال کنند؛ براین اساس، به لحاظ نظری، هسته گروه اسمی می‌تواند در مجموع نه وابسته به خود بگیرد؛ به عنوان مثال، در گروه اسمی «این هر سه جلد بوف کور معروف هدایت را که به چند زبان ترجمه شده است»، هسته گروه اسمی «بوف» است و «این هر سه جلد» چهار وابسته پیشرو و «کور معروف هدایت را که به چند زبان ترجمه شده است» پنج وابسته پیرو آن محسوب می‌شوند.

۲) مفاهیم نظری

پژوهش حاضر با رویکرد سبک‌شناسی متن‌بنیاد^۳ بر پایه دستور وابستگی و نظریه گروه‌های خودگردان انجام شده است.

^۳ Textualist stylistics

۱-۲) سبک‌شناسی متن بنیاد

سبک‌شناسی متن بنیاد «عین متن» را بررسی می‌کند. این رویکرد الگوهای زبانی خام یک متن ادبی مانند صورت‌های آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی را شناسایی می‌کند، بدون آن که قصد داشته باشد این الگوها را با پیام و محتوای متن پیوند دهد. به طور خلاصه، رویکردهایی که بنیاد زبان‌شناختی دارند در شمار سبک‌شناسی متن مدار قرار می‌گیرند: مانند سبک‌شناسی آماری، سبک‌سنجی، سبک‌شناسی فرمالیستی و سبک‌شناسی ساختارگرا (رک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۵).

۱-۱-۲) سبک‌سنجی

سبک‌سنجی، رویکردی است در بازشناسی متون که با روش آماری و اندازه‌گیری متغیرهای به کار رفته در متن، سبک فردی نویسنده را شناسایی و توصیف می‌کند. شالوده کار سبک‌سنجی این است که هر کاربر زبان، عادت‌های زبانی ویژه‌ای دارد که ناخودآگاه و به شکل الگوهای مشخصی در زبان وی آشکار می‌شوند و همانند اثر انگشت هر شخص، منحصر به فرد و خاص خود اوست. از آنجا که مؤلف بر انتخاب‌های ناخودآگاه خویش کنترلی ندارد، در تمام آثار وی می‌توان ردپای آن عادت‌های زبانی را دنبال کرد و به عنوان کلیدی معتبر برای شناخت آثار نویسنده به کار برد؛ بنابراین، اساس سبک‌سنجی بر شناسایی «مشخصه‌های ثابت» در آثار یک نویسنده است (همان: ۱۷۳).

۲-۱-۲) سبک‌شناسی پیکره‌ای

سبک‌شناسی پیکره‌ای^۴ به موازات زبان‌شناسی پیکره‌ای پدید آمده و بالیده و روش‌های نوین زبان‌شناسی پیکره‌ای را به کار گرفته است تا متن‌های بزرگ ادبی را تحلیل کند و داده‌های دقیق زبانی را به خدمت تحلیل سبک درآورد. این گونه سبک‌شناسی روز به روز مقبولیت بیشتری در میان تحلیل‌گران سبک پیدا کرده و به صورت ابزار بسیار کارآمدی برای شناسایی و تعیین سبک متن‌های خاص، نویسندگان یا انواع ادبی خاص درآمده است (همان: ۱۷۲).

۲-۲) دستور وابستگی و نظریه‌های خودگردان

در دستور وابستگی و نظریه‌های خودگردان دو فرض اصلی مطرح است؛ اولاً هر گروه نحوی، چه جمله باشد و چه گروه کوچک‌تری همچون گروه اسمی یا صفتی یا غیره، در نهایت از بیش از پنج نوع عنصر هسته، متمم اجباری هسته، متمم اختیاری هسته، افزوده خاص هسته و افزوده عام کل گروه تشکیل نمی‌شود و ثانیاً ساخت هر گروه را تنها از طریق شرح روابط وابستگی در میان همین پنج عنصر می‌توان نمایش داد. در ادامه مباحث مربوط به ساخت سازه‌های گروه‌های اسمی زبان فارسی در چارچوب نظریه مذکور ارائه می‌گردد:

۱-۲-۲) ساختمان گروه اسمی

هر اسمی در مقام هسته یک گروه اسمی ممکن است خود نیز وابسته‌هایی بگیرد. اصولاً در بحث‌های نحوی، بیشتر سخن از گروه اسمی در میان است تا اسم و هر گروه اسمی عبارت است از یک هسته اسمی به علاوه صفر تا چند وابسته پسین یا پیشین (رک: طیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹۷). همه اسم‌ها وابسته‌هایی می‌گیرند، اما فقط تعداد اندکی از اسم‌ها تحت عنوان

⁴ Corpus stylistics

اسم‌های گزاره‌ای متمم می‌گیرند. اسم‌های گزاره‌ای شامل تمام مواردی هستند که در دستورها تحت عنوان مصدرها، اسم مصدرها یا اسم‌های حالت از آن‌ها یاد شده است. در مجموع می‌توان گفت عمدتاً اسم‌های مشتق از فعلی که ساخت ظرفیتی فعل پایه خود را به طریقی حفظ کرده‌اند، و نیز اسم‌هایی که با پسوند «سی» یا «گری» مصدری ساخته شده‌اند، متمم می‌گیرند. علاوه بر این‌ها اسم‌هایی همچون «پایان، درخواست، تقاضا و هدف» نیز که دارای ساخت ظرفیتی هستند، در زمره اسم‌های گزاره‌ای قرار می‌گیرند (همان: ۱۹۷).

۲-۲-۲) افزوده‌های اسم

هر گروه اسمی الزاماً مرکب از یک هسته اسمی است به علاوه صفر تا چند وابسته که یا متمم هستند یا افزوده. متمم اسم به عناصری گفته می‌شود که در ساخت ظرفیتی اسم قرار دارند ولی افزوده‌های اسم به عناصری اطلاق می‌شود که در ساخت ظرفیتی اسم قرار ندارند و اهل زبان بسته با بافت و به اقتضای موقعیت برای توصیف بهتر و دقیق‌تر اسم از آن‌ها استفاده می‌کنند. افزوده‌ها به طرق گوناگون اسم را توصیف می‌کنند؛ مثلاً اسم را معرفه یا نکره می‌کنند؛ یا آن را سؤالی می‌سازند؛ یا تعداد آن را به نوعی مشخص یا محدود می‌سازند. افزوده‌های اسم به دو دسته کلی پیشین (عام) و پسین (خاص) تقسیم می‌شوند (رک: همان: ۲۱۰).

۲-۲-۲-۱) افزوده‌های پیشین اسم

افزوده‌های پیشین (افزوده‌های عام) اسم به افزوده‌هایی اطلاق می‌شود که پیش از اسم قرار می‌گیرند. نوع، محل ظاهر شدن وابسته‌ها و نیز چگونگی روابط وابستگی میان افزوده‌ها از جمله موضوعات اصلی مربوط به گروه‌های اسمی است. افزوده‌های پیشین اسم در یکی از پنج موقعیت گوناگون به شرح زیر ظاهر می‌شوند:

جدول ۱: موقعیت‌های افزوده‌های پیشین اسم

موقعیت اول	موقعیت دوم	موقعیت سوم	موقعیت چهارم	موقعیت پنجم	هسته
همه (سور)	این/آن (صفت اشاره)	عددها (ترتیبی و اصلی)	تا (مبیز)	آقا (شاخص)	اسم
بیشتر (سور)	چنان/چنین (صفت اشاره)	بسا، دیگر (صفت مبهم)	جور (مبیز)	جناب (شاخص)	اسم
عموم (سور)	چه (صفت تعجبی)	چند (عدد مبهم اصلی)	دانه (مبیز)	حاج (شاخص)	اسم
غالب (سور)	عجب (صفت تعجبی)	چند (صفت پرسشی مبهم)	راس (مبیز)	دکتر (شاخص)	اسم
برخی از (سور)	کدام (صفت پرسشی) خود (صفت تاکیدی)	برخی، بسیاری، هیچ (صفت عددی مبهم)	طور (مبیز)	شهید (شاخص)	اسم
بخشی از (سور)	فلان (کلمه اشاره مبهم)	تنها، همه (صفت عددی مبهم)	قبضه (مبیز)	کاپیتان (شاخص)	اسم
بسیاری از (سور)	هر (صفت اشاره مبهم)	صفت عالی	گونه (مبیز)	صفت بیانی پیشین	اسم

امکان دارد عناصر هر پنج موقعیت حضور داشته باشند:

مثال ۱) همه این دو هزار نفر آقای مهندس اینجا کار می‌کنند.

گاهی به دلایلی برخی از عناصر موقعیت‌ها با هم ظاهر نمی‌شوند؛ به عنوان نمونه معمولاً دو یا چند عنصر متعلق به موقعیت اول با هم ظاهر نمی‌شوند:

مثال ۲) *همه تمام آدم‌ها/ *بیشتر اکثر آدم‌ها

دو یا چند عنصر متعلق به موقعیت دوم نیز معمولاً با هم ظاهر نمی‌شوند:
 مثال (۳) * این آن دو تا برادر اینجا کار می‌کنند. / * همان همین دوستم آمد. / * عجب چه آدمی!
 گاهی از ترکیب دو عنصر متعلق به موقعیت دوم، عنصر واحد و جدیدی به وجود می‌آید که کل آن را متعلق به موقعیت دوم می‌دانیم:

مثال (۴) آن چنان انسانی ندیده بودم. / این چنین غذایی خورده بودی؟
 عناصر متعلق به موقعیت سوم نیز معمولاً با هم ظاهر نمی‌شوند:
 مثال (۵) * پنج، هفت نفر آمدند؟ بهترین سه دانشجوی ما اینجا هستند.
 اما گاهی برای بیان تقریب، دو عنصر از موقعیت سوم با هم می‌آیند، که در این حالت مجموع آن دو عنصر را یک عنصر واحد از موقعیت سوم در نظر می‌گیریم:

مثال (۶) چند هزار مریض داریم. / سه چهار مریض داریم. / یکی دو تومان کم دارم.
 میزها، یا همان اعضای متعلق به موقعیت چهارم هم با هم به کار نمی‌روند، زیرا هر ممیزی معمولاً متعلق به دسته خاصی از اسامی است و از این رو آوردن دو ممیز نامربوط با هم مجاز نیست:
 مثال (۷) * دو قلاده راس اسب خریدم. / * سه فروند قبضه تفنگ دارم.
 اما گاهی در فارسی گفتاری، میزهای عامی مانند «تا» و «دانه» با برخی میزهای خاص همراه آورده می‌شوند. در این حالت مجموع دو ممیز را یک ممیز واحد در نظر می‌گیریم:
 مثال (۸) هزار تا قبضه تفنگ دارم.

امکان با هم آبی دو یا چند عنصر متعلق به موقعیت پنجم، یعنی شاخص‌ها، بیشتر از باقی موارد است. البته صفات بیانی همراه با شاخص‌ها به کار نمی‌روند، اما بسیاری از شاخص‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند. مثلاً در گروه اسمی زیر، شش شاخص از پی هم آمده است:

مثال (۹) حضرت آیت الله دکتر حاج سید محمد احمدی

گاهی نیز یک عدد و ممیز با یک گروه حرف اضافه‌ای همراه می‌شوند:

مثال (۱۰) سه تا از میزها/ دو راس از گاوها/ چند قلم از جنس‌ها (رک: همان: ۲۲۹-۲۱۰).

۲-۲-۲-۲) افزوده‌های پسین اسم

وابسته‌های پسین اسم (افزوده‌های خاص) در یکی از شش موقعیت گوناگونی که در جدول زیر نمایش داده شده است، ظاهر می‌شوند. این موقعیت‌ها به دنبال موقعیت‌های پیشین شماره گذاری شده‌اند.

جدول ۲: موقعیت‌های افزوده‌های پسین اسم

هسته	موقعیت ششم	موقعیت هفتم	موقعیت هشتم	موقعیت نهم	موقعیت دهم	موقعیت یازدهم
اسم	اسم-صفت، شاخص	صفت بیانی	وابسته اضافه	بدل	گروه حرف اضافه‌ای	بند

معمولاً امکان حضور یک عنصر یا بیشتر عناصر موقعیت‌ها وجود دارد:

مثال (۱۱) استاد فیزیک عزیز ما، جناب آقای محمدی، که دیروز از تهران بازگشتند، میهمان ما هستند.

مثال ۱۲) درخواست بجای او از دوستان قدیمش همه را خوشحال کرد (رک: همان: ۲۳۷-۲۲۹).

۳) روش پژوهش

پژوهش حاضر از جهت ماهیت و روش، تحقیقی توصیفی و به لحاظ نگرش و پرداختن به مسأله پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و پیکره‌بنیاد است که با رویکرد سبک‌شناسی متن‌بنیاد از نوع پیکره‌ای و سبک‌سنجی به انجام رسیده است.

۳-۱) پیکره پژوهش

پیکره پژوهش شامل دو بخش است: بخش نخست شامل نخستین حکایت هر باب گلستان و مجموعاً هشت حکایت با ۸۷۴ واژه و بخش دوم شامل نخستین حکایت هر روضه بهارستان و مجموعاً هفت حکایت با ۸۸۵ واژه. به منظور همگن‌سازی بیشتر دو بخش پیکره تلاش گردید تعداد واژه‌های دو بخش پیکره نزدیک به هم باشد؛ از این رو، از گنجاندن ادامه حکایت نخست روضه هفتم و نخستین حکایت روضه هشتم خودداری شد، زیرا در آن صورت تعداد واژه‌های بخش دوم پیکره بیشتر از بخش نخست می‌شد. حکایت‌های در نرم افزار واژه‌پرداز پیاده‌سازی شد.

جدول ۳: پیکره متنی برگرفته از گلستان و بهارستان

کتاب	حکایت نخست	تعداد واژه	
		حکایت منتخب	کل
گلستان	باب اول: در سیرت پادشاهان	۲۱۸	۸۷۴
	باب دوم: در اخلاق درویشان	۵۴	
	باب سوم: در فضیلت قناعت	۴۶	
	باب چهارم: در فواید خاموشی	۷۷	
	باب پنجم: در عشق و جوانی	۹۷	
	باب ششم: در ضعف و پیری	۲۴۷	
	باب هفتم: در تأثیر تربیت	۸۳	
	باب هشتم: در آداب صحبت	۵۲	
بهارستان	روضه نخستین: در ذکر احوال مشایخ صوفیه	۶۷	۸۸۵
	روضه دوم: در ذکر حکمت حکما	۴۲۰	
	روضه سوم: در ذکر پادشاهان	۱۰۷	
	روضه چهارم: در ذکر بخشندگان	۷۲	
	روضه پنجم: در عشق و ذکر حال عاشقان	۱۱۳	
	روضه ششم: در مطایبه	۵۵	
	روضه هفتم: در شعر و بیان شاعران	۵۱	
	هشتم: در حکایت حیوانات	۰	

در ادامه کار شناسایی و برچسب‌گذاری گروه‌های اسمی مطالب تایپ شده در چارچوب نظریه عمومی زبان انجام گرفت. به دلیل ضمیرانداز بودن زبان فارسی، در تعدادی از جمله‌ها، مسندالیه در قالب گروه اسمی ذکر نشده است؛ به

همین دلیل، این تعداد از گروه‌های اسمی حذف شده به قرینه، مورد بررسی قرار نگرفتند. در مرحله بعد، ساختمان هر گروه اسمی از حیث تعداد و نوع وابسته‌های پیشین و پسین هسته اسمی بررسی شدند و داده‌های مربوط در جدولی که به همین منظور آماده شده بود، ثبت گردید؛ سپس، انواع گروه‌های اسمی براساس نوع و تعداد وابسته‌هایشان به ترتیب بسامد، دسته‌بندی و واکاوی گردید.

۴) واکاوی داده‌ها

۴-۱) گروه‌های اسمی در گلستان

جدول (۴) نمایانگر داده‌های مربوط به ساختمان گروه اسمی در گلستان است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از مجموع ۱۹۶ گروه اسمی، ۱۲۰ گروه اسمی برابر با ۶۱٪ بدون وابسته و ۷۶ گروه اسمی برابر ۳۹٪ دارای وابسته است. از میان گروه‌های اسمی دارای وابسته نیز از بین ۷۶ گروه اسمی، ۵۹ گروه برابر با ۳۰٪ دارای یک وابسته، ۱۶ گروه معادل ۸٪ دارای دو وابسته و تنها یک گروه اسمی برابر ۱٪ سه وابسته دارد.

جدول ۴: گروه‌های اسمی در گلستان

گروه اسمی ۱۹۶ (۷۵٪)				
با وابسته ۷۶ (۳۹٪)				بی‌وابسته
چهاروابسته	سه‌وابسته	دو‌وابسته	تک‌وابسته	
۰	۱ (۱٪)	۱۶ (۸٪)	۵۹ (۳۰٪)	۱۲۰ (۶۱٪)

۴-۲) گروه‌های اسمی در بهارستان

جدول (۵) نمایانگر داده‌های مربوط به ساختمان گروه اسمی در بهارستان است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از مجموع ۱۵۸ گروه اسمی، ۷۶ گروه اسمی برابر با ۴۸٪ بدون وابسته و ۸۲ گروه اسمی برابر ۵۲٪ دارای وابسته است. از میان گروه‌های اسمی دارای وابسته نیز از بین ۸۲ گروه اسمی، ۵۹ گروه برابر با ۳۷٪ دارای یک وابسته، تعداد ۲۳ گروه معادل ۱۵٪ دارای دو وابسته است.

جدول ۵: گروه‌های اسمی در بهارستان

گروه اسمی ۱۵۸ (۶۹٪)				
باوابسته ۸۲ (۵۲٪)				بی‌وابسته
چهاروابسته	سه‌وابسته	دو‌وابسته	تک‌وابسته	
۰	۰	۲۳ (۱۵٪)	۵۹ (۳۷٪)	۷۶ (۴۸٪)

۴-۳) ساختمان گروه‌های اسمی

۴-۳-۱) گروه‌های اسمی یک‌وابسته گلستان

داده‌های مربوط به ساختمان دستوری گروه‌های اسمی تک‌وابسته گلستان در جدول (۶) نشانگر آن است که مجموعاً ۹ ساخت دستوری گوناگون در سطح گروه‌های اسمی به کار رفته است. از مجموع ۵۹ گروه اسمی تک‌وابسته شناسایی

شده، ۱۰ مورد معادل ۱۷٪ دارای وابسته پیشین و ۴۹ مورد معادل ۸۳٪ وابسته پسین دارند. از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابسته پیشین، از مجموع ۱۰ گروه اسمی، به ترتیب میزان بسامد، ساخت «سور+هسته» با ۶ رخداد و ساخت «اشاری+هسته»، ساخت «صفت تعجبی+هسته»، ساخت «منادا+هسته» و ساخت «صفت پریشی+هسته» هر کدام با یک رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابسته پیشین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۶: ساختمان دستوری گروه‌های اسمی تک وابسته

نمونه	گروه‌های اسمی تک وابسته	
	بسیار کس	۶
این عاقل	۱	اشاری+هسته
چه سختی	۱	صفت تعجبی+هسته
ای خداوند	۱	منادا+هسته
چه کار	۱	صفت پریشی+هسته
وقت ضرورت	۲۴	هسته+اسم
دروغی مصلحت‌آمیز	۱۰	هسته+صفت بیانی
سر شمشیر تیز	۹	هسته+گ.ا.
ایاز که حسنی زیادتی ندارد	۳	هسته+بند موصولی
حسن میمندی را	۲	هسته+بدل
به که راستی فتنه‌انگیز	۱	هسته+گ.ح.ا.

از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابسته پسین نیز از مجموع ۴۹ گروه اسمی شناسایی شده، به ترتیب میزان بسامد، ساخت «هسته+اسم» با ۲۴ رخداد، ساخت «هسته+صفت بیانی» با ۱۰ رخداد، ساخت «هسته+گروه اسمی» با ۹ رخداد، ساخت «هسته+بند موصولی» با ۳ رخداد، ساخت «هسته+بدل» با ۲ رخداد و ساخت «هسته+گ.ح.ا.» با ۱ رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابسته پسین را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۳-۲) گروه‌های اسمی یک وابسته بهارستان

داده‌های مربوط به ساختمان دستوری گروه‌های اسمی تک وابسته بهارستان در جدول (۷) نشانگر آن است که مجموعاً ۷ ساخت دستوری گوناگون در سطح گروه‌های اسمی به کار رفته است. از مجموع ۵۹ گروه اسمی تک وابسته شناسایی شده، ۶ مورد معادل ۱۰٪ دارای وابسته پیشین و تعداد ۵۳ مورد معادل ۹۰٪ وابسته پسین دارند. از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابسته پیشین، از مجموع ۶ گروه اسمی، به ترتیب میزان بسامد، ساخت «صفت مبهم+هسته» با ۵ رخداد و ساخت «صفت تعجبی+هسته» با یک رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابسته پیشین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۷: ساختمان دستوری گروه‌های اسمی تک وابسته

نمونه	گروه‌های اسمی تک وابسته	
	هر چه	۵

نمونه	گروه‌های اسمی تک وابسته	
چه صورت غریب	۱	صفت تعجبی+هسته
زندادان او	۱۷	هسته+اسم
بزمگاهی گشاده	۱۲	هسته+صفت بیانی
کسی که با همه کس خوی بد به کار برد	۱۰	هسته+بند موصولی
زندادان مقام او	۹	هسته+گروه اسمی
تهی از فضیلت	۵	هسته+گروه حرف اضافه‌ای

با وابستهٔ پسین ۵۳ (۹۰٪)

از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابستهٔ پسین نیز از مجموع ۵۳ گروه اسمی شناسایی شده، به ترتیب میزان بسامد، ساخت «هسته+اسم» با ۱۷ رخداد، ساخت «هسته+صفت بیانی» با ۱۲ رخداد، ساخت «هسته+بند موصولی» با ۱۰ رخداد، ساخت «هسته+گروه اسمی» با ۹ رخداد و ساخت «هسته+گ.ح.ا.» با ۵ رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابستهٔ پسین را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۳-۳) گروه‌های اسمی دو وابسته گلستان

داده‌های مربوط به ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو وابسته گلستان در جدول (۸) نشانگر آن است که مجموعاً ۶ ساخت دستوری گوناگون در سطح گروه‌های اسمی به کار رفته است. از مجموع ۱۶ گروه اسمی دو وابسته شناسایی شده، ۱۴ مورد معادل ۸۷٪ دارای وابستهٔ پیشین و پسین و تعداد ۲ مورد معادل ۱۳٪ وابستهٔ پسین دارند. از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابستهٔ پیشین و پسین، از مجموع ۱۴ گروه اسمی، به ترتیب میزان بسامد، ساخت «اشاری+هسته+بند موصولی» و «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» هر یک با ۶ رخداد و ساخت «اشاری+هسته+اسم»، «سور+هسته+صفت بیانی» هر یک با ۱ رخداد، گروه‌های اسمی دو وابسته‌ای پیشین و پسین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۸: ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو وابسته

ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو وابسته (۱۶)		
آن که را پادشه بیندازد	۶	اشاری+هسته+بند موصولی
هر که دست از جان بشوید	۶	صفت مبهم+هسته+بند موصولی
آن دروغ وی	۱	اشاری+هسته+اسم
یکی از وزرای نیک محضر	۱	سور+هسته+صفت بیانی
نور گیتی فروز چشمه هور	۱	هسته+صفت بیانی+گ.ا.
وزیر دیگر که ضد او بو	۱	هسته+صفت+بند موصولی

با وابستهٔ پیشین و پسین ۱۴ (۸۷٪)

با وابستهٔ پسین ۲ (۱۳٪)

از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی با وابستهٔ پسین نیز از مجموع ۲ گروه اسمی، ساخت «هسته+صفت بیانی+گروه اسمی» و ساخت «هسته+صفت+بند موصولی» هر کدام با یک رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابستهٔ پسین را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۳-۴) گروه اسمی دو وابسته بهارستان

داده‌های مربوط به ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو وابسته بهارستان در جدول (۹) نشانگر آن است که مجموعاً ۴ ساخت دستوری گوناگون در سطح گروه‌های اسمی به کار رفته است. از مجموع ۲۳ گروه اسمی دو وابسته، همگی دارای یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین هستند. از نظر نوع وابسته‌های مورد استفاده در ساختمان گروه‌های اسمی به ترتیب میزان بسامد ساخت «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» با ۱۲ رخداد و ساخت «اشاری+هسته+بند موصولی» با ۷ رخداد و ساخت «اشاری+هسته+صفت بیانی» و ساخت «صفت تعجیبی+هسته+صفت بیانی» هر یک با ۲ رخداد، گروه‌های اسمی دارای وابسته پیشین و پسین را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹: ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو وابسته

گروه‌های اسمی دو وابسته (۲۳)			
هر چه ببند	۱۲	صفت مبهم+هسته+بند موصولی	با وابسته پیشین و پسین (۲۳)
آن عشق را که منقبت خاص آدم است	۷	اشاری+هسته+بند موصولی	
این نکته خوش	۲	اشاری+هسته+صفت بیانی	
چه صورت غریب	۲	صفت تعجیبی+هسته+صفت بیانی	

۴-۳-۵) گروه‌های اسمی سه وابسته گلستان

داده‌های مربوط به ساختمان دستوری گروه‌های اسمی سه وابسته بهارستان در جدول (۱۰) نشانگر آن است که تنها یک ساخت دستوری با وابسته پیشین و پسین «عدد مبهم+هسته+صفت+بند موصولی» به کار رفته است.

جدول ۱۰: ساختمان دستوری گروه‌های اسمی سه وابسته

گروه‌های اسمی سه وابسته			
چندین بنده صاحب جمال دارد که هر یکی بدیع جهانی‌اند	۱	عدد مبهم+هسته+صفت+بند موصولی	با وابسته پیشین و پسین

۵) تفسیر داده‌ها

بررسی مقایسه‌ای داده‌های مربوط به دو اثر (جدول ۱۱) نشان از آن دارد که فراوانی گروه‌های اسمی گلستان (۱۹۶) بیشتر از بهارستان (۱۵۸) است. همچنین فراوانی و فراوانی نسبی گروه‌های اسمی بدون وابسته در گلستان (۱۲۰) گروه اسمی معادل ۶۱٪) بیشتر از بهارستان (۷۶ گروه اسمی معادل ۴۸٪) است. آمار بیشتر فراوانی و فراوانی نسبی گروه‌های اسمی بدون وابسته در گلستان می‌تواند نشانه‌ای از بیان ساده‌تر سعدی نسبت به جامی به شمار آید. این در حالی است که حجم پیکره گلستان (۸۷۴ واژه) مقداری کمتر از حجم پیکره بهارستان (۸۸۵ واژه) بوده است.

همچنین ملاحظه می‌شود که فراوانی گروه‌های اسمی دارای وابسته در گلستان و بهارستان تفاوت کمی دارند (۷۶ در مقابل ۸۲). گروه‌های اسمی تک وابسته از نظر تعداد برابر هستند (۵۹ در برابر ۵۹) گروه‌های اسمی دارای دو وابسته در گلستان کمتر از بهارستان دیده شد (۱۶ در مقابل ۲۳). این هم می‌تواند دلیل دیگری بر ساده‌تر بودن ساختار گروه‌های اسمی گلستان نسبت به بهارستان باشد.

جدول ۱: فراوانی گروه‌های اسمی در گلستان و بهارستان

گروه اسمی			بیکره متنی		
باوابسته	بی‌وابسته	مجموع			
تک‌وابسته			گلستان		
۵۹ (۳۰٪)					
دو‌وابسته	۷۶ (۳۹٪)	۱۲۰ (۶۱٪)			
سه‌وابسته			بهارستان		
۱ (٪)					
تک‌وابسته	۸۲ (۵۲٪)	۷۶ (۴۸٪)			
دو‌وابسته			بهارستان		
۲۳ (۱۵٪)		۱۵۸ (۶۹٪)			
سه‌وابسته					
۰					

واکاوی ساختمان دستوری گروه‌های اسمی تک‌وابسته در گلستان و بهارستان بیانگر آن است که گروه‌های اسمی با وابسته پسین در هر دو اثر بیشترین رخداد را دارند. در گلستان تنوع وابسته پیشین بیشتر از بهارستان است. در تنوع وابسته‌های پسین شباهت بین دو اثر دیده می‌شود. فراوانی وابسته‌های پسین دارای وابسته «بند موصولی» و «گروه حرف اضافه‌ای» در بهارستان بیشتر از گلستان است.

واکاوی ساختمان دستوری گروه‌های اسمی دو‌وابسته حاکی از آن است که تنوع ساخت در نمونه گلستان بیشتر از نمونه بهارستان است. گروه اسمی دو‌وابسته بهارستان بیشتر از گلستان است. فراوانی تقریباً صفر گروه‌های اسمی دارای بیش از دو وابسته در هر دو اثر نیز در راستای سادگی هر چه بیشتر متن‌ها قابل تفسیر است.

بررسی وابسته‌های هسته در گروه‌های اسمی دو اثر نشان از آن دارد که ساخت «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته و «بند موصولی» به عنوان وابسته پسین غالب گروه‌های اسمی دو‌وابسته گلستان و بهارستان است. از سوی دیگر، ساخت‌های «سور+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته گلستان و ساخت‌های «صفت مبهم+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی»، «هسته+بند موصولی»، «هسته+گروه اسمی» و «هسته+گ.ح.ا.» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته بهارستان هستند. همچنین ساخت‌های «اشاری+هسته+بند موصولی» و «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی دو‌وابسته گلستان و ساخت‌های «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» و «اشاری+هسته+بند موصولی» ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی دو‌وابسته بهارستان هستند.

نتیجه

در بخش تفسیر داده‌ها وضعیت گروه‌های اسمی در گلستان و بهارستان و نیز شباهت‌ها و تفاوتی‌های بین گروه‌های اسمی گلستان و بهارستان که سه پرسش از مجموع چهار پرسش پژوهش را تشکیل می‌دادند، مشخص شد. بررسی ساخت سازه‌ای گروه اسمی در گلستان و بهارستان علاوه بر این که شباهت‌های دو اثر را به لحاظ نحوی نمایان ساخت، وجوه تمایز آن دو را نیز مشخص تر ساخت. همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌گردد، گلستان سعدی از مجموع گروه‌های اسمی (بی‌وابسته و باوابسته) بیشتری برخوردار است و از آن میان، گروه‌های اسمی بدون وابسته، فراوانی و فراوانی نسبی بالاتری دارد. معنی این سخن آن است که به لحاظ نحوی در سطح ساخت سازه‌ای گروه اسمی، گلستان سعدی سادگی بیشتری نسبت به بهارستان جامی به چشم می‌خورد. گروه‌های اسمی تک وابسته در هر دو اثر از نظر فراوانی برابر هستند ولی گروه‌های اسمی دارای دو وابسته گلستان کمتر از بهارستان است. این موضوع نیز می‌تواند دلیلی بر ساده‌تر بودن ساخت سازه‌ای گروه‌های اسمی گلستان نسبت به بهارستان باشد. وجود گروه‌های اسمی وابسته‌دار بیشتر در بهارستان و نیز فراوانی بیشتر وابسته پسین «بند موصولی» و «گروه حرف اضافه‌ای» در بهارستان می‌تواند دلیل دیگری بر سادگی بیشتر ساخت سازه‌ای گروه‌های اسمی گلستان به شمار آید.

جدول ۱۲: شباهت‌ها و تفاوت‌های گلستان و بهارستان از نظر ساخت سازه‌ای گروه اسمی

بهارستان	گلستان	
		شباهت‌ها
		<ul style="list-style-type: none"> - فراوانی بیشتر وابسته پسین - ساخت غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته: «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی» - «بند موصولی» به عنوان وابسته پسین غالب گروه‌های اسمی دووابسته
		تفاوت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - فراوانی بیشتر وابسته‌های پسین دارای وابسته بند موصولی و گروه حرف اضافه‌ای - فراوانی بیشتر گروه اسمی دو وابسته - ساخت‌های غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته: «صفت مبهم+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی»، «هسته+بند موصولی»، «هسته+گروه اسمی» و «هسته+گ.ج.ا.» - ساخت غالب گروه‌های اسمی دووابسته: «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» و «اشاری+هسته+بند موصولی» 	<ul style="list-style-type: none"> - فراوانی بیشتر گروه‌های اسمی - فراوانی و فراوانی نسبی بیشتر گروه‌های اسمی بدون وابسته - فراوانی کمتر گروه‌های اسمی دارای دو وابسته - تنوع بیشتر وابسته‌ها - ساخت غالب گروه‌های اسمی تک‌وابسته: «سور+هسته»، «هسته+اسم»، «هسته+صفت بیانی» و «هسته+گروه اسمی» - ساخت غالب گروه‌های اسمی دووابسته: «اشاری+هسته+بند موصولی» و «صفت مبهم+هسته+بند موصولی» 	

یافته‌های این پژوهش با نظر حاکمی (۱۳۷۷) مبنی بر این که انشای بهارستان حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می‌رود متمایل به سادگی است، همراستا نیست؛ چراکه همان‌طور که پیشتر بیان شد،

فراوانی بیشتر گروه‌های اسمی بدون وابسته و نیز وابسته‌دار در گلستان و بیشتر بودن فراوانی و فراوانی نسبی گروه‌های اسمی وابسته‌دار در بهارستان، دلیلی بر سادگی زبانی بیشتر گلستان نسبت به بهارستان از منظر ساخت سازه‌های گروه اسمی محسوب می‌شود ولی با پژوهش الحاجیه اردلانی، دستغیب و سیدصادقی (۱۳۹۷) همخوانی دارد که معتقدند سعدی نگرشی اجتماعی با دیدگاهی اصلاح‌گرایانه و زبانی مردمی، سازنده و مؤدبانه دارد؛ جملات هسته‌ای گلستان، گویای صراحت و بیان مستقیم سعدی است، زیرا وجود تعداد بیشتر گروه‌های اسمی در پیکره همگن مورد استفاده، به نوعی مؤید تعداد بیشتر جمله‌های هسته‌ای بیشتر در گلستان نسبت به بهارستان است.

به نظر می‌رسد ساخت سازه‌های گروه اسمی می‌تواند به عنوان ابزاری نحوی برای شناسایی دقیق‌تر شباهت‌ها و تفاوت‌های آثار گوناگون ادبی استفاده شود و با طرح فرضیه‌هایی به نمایان شدن ویژگی‌های سبکی فردی و اجتماعی در آثار ادبی کمک کند. به عنوان مثال، انتظار می‌رود در آثاری که قطب ترکیب (مجاز) در آن‌ها غالب است، به سبب گسترش زنجیره سخن در محور هم‌نشینی، فراوانی گروه‌های اسمی وابسته‌دار از آثار دارای قطب انتخاب (استعاره) غالب که با کاستن عضوی از زنجیره هم‌نشینی همراه است، بیشتر باشد؛ به این ترتیب می‌توان انتظار داشت بین ساخت سازه‌های گروه‌های اسمی شاهنامه فردوسی به عنوان شاخص‌ترین اثر ادبی سبک خراسانی و محوریت ترکیب و اشعار حافظ به عنوان شاخص‌ترین اثر سبک عراقی با محوریت انتخاب (رک: صفوی، ۱۳۹۰: ۱۹۸) تفاوت قابل ملاحظه‌ای باشد. با توجه به این که تاکنون از ساخت سازه‌های گروه اسمی برای بررسی آثار ادبی استفاده نشده، نمی‌توان از کارایی و دقت آن با اطمینان صحبت نمود ولی چنانچه کارایی ساخت سازه‌های گروه اسمی به عنوان ابزار نحوی تمایز سبک‌های فردی با انجام پژوهش‌های بیشتر تأیید گردد، می‌توان امیدوار بود از ابزارهای نحوی در کنار سایر ابزارهای شناسایی سبک‌های فردی، برای شناسایی نویسندگان اصلی آثار ادبی ناشناخته استفاده شود.

تعارض منافع

طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

- انوشه، حسن و همکاران. (۱۳۷۶) *دانشنامه ادب فارسی*. جلد ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- الحاجیه اردلانی، شمس؛ دستغیب، شعله و سید محمود سیدصادقی. (۱۳۹۷). «سبک‌شناسی لایه‌ای گلستان سعدی در دو لایه کاربردشناسی و نحوی». *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*. دوره ۱۴. شماره ۱۳. صص: ۱۱۹-۱۰۵.
- الهیان، لیلا. (۱۳۹۲). «زیبایی‌شناسی گلستان سعدی براساس نظریه زبان‌شناسی متن». *رساله دکتری*. به راهنمایی محمدعلی گذشتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- ایشانی، طاهره و زینب برزگری. (۱۳۹۸). «بررسی سنجشی مضمون و سبک در حکایات و حکمت‌های گلستان و بهارستان بر اساس کارکرد تجربی فرانش اندیشگان». *علم زبان*. سال ۶. شماره ۱۰. صص: ۳۵۶-۳۲۵.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. چاپ سی‌ام. تهران: امیرکبیر.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۹۲). *بهارستان*. تصحیح هادی اکبرزاده. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۷). «نکاتی درباره سبک کتاب بهارستان جامی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. زمستان ۷۷ و بهار ۷۸. صص: ۶-۱.

- رضوان طلب، پری و نوروز امینی. (۱۳۹۷). «بررسی مقایسه‌ای گلستان سعدی با بهارستان جامی». فصلنامه بهارستان سخن. دوره ۱۵. شماره ۴۰. صص: ۶۰-۳۷.
- سرفراز، سیاوش. (۱۳۹۴). «بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان». پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمد میر. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه زابل.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۶۸). گلستان سعدی. مقدمه و تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ اول. تهران: سخن.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۰). از زبان شناسی به ادبیات. جلد ۲. چاپ سوم. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- مظفری، علیرضا و گودرزی، رقیه. (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان سعدی». فصلنامه ادبیات فارسی. سال ۴. شماره ۱۱. صص: ۸۰-۵۳.

References

- Alhajieh Ardlani, Sh. & Dastgheib, S. & S.M. Seyed Sadeghi. (2017). Sabkshenasi-ye Laye'i-ye Golestan-e Sa'di dar do Laye-ye Karbordshenasi va Nahvi. Faslname-ye Takhassosi-ye Zaban va Adabiyyat-e Farsi. Years. 14. No. 13. Pp: 105-119. [in persian]
- Anooshe, H. & Hamkaran. (1997). Daneshname-ye Zaban-e Farsi. Vol 2. Tehran: Sazman-e Chap va Entesharat.
- Batani, M.R. (2012). Tosif-e Sakhteman-e Dastoori-ye Zaban-e Farsi. 30th Edition. Tehran: Amirkabir.
- Elahian, L. (2012). Ziba'i Shenasi-ye Golestan-e Sa'di bar Asas-e Nazariye-ye Zabanshenasi-ye Matn. Resale-ye Doctori. Be Rahnemayi-ye Mohammad Ali Gozashti. Daneshkade-ye Adabiyyat va 'Oloom-e Ensani. Daneshgah-e Azad-e Eslami. Vahed-e Tehran Markaz.
- Fotoohi, M. (1390). Sabkshenasi Nazariyeha, Rooykardha va Raveshha. Tehran: Sokhan.
- Hakemi, E. (1978). Nokati darbare-ye Sabk-e Ketab-e Baharestan-e Jami. Majalle-ye Daneshkade-ye Adabiyyat va 'Oloom-e Ensani-ye Daneshgah Tehran. Zemestan-e 1977 va Bahar-e 1978. Pp: 1-6. [in persian]
- Ishani, T & Z. Barzegari. (2018). Barresi-ye sanjeshi-ye Mazmoon va Sabk dar Hekayat, Hekmatha-ye Golestan va Baharestan bar Asas-e Karkard-e Tajrobi-ye Faranaghsh-e Andishghani. 'Elm-e Zaban. Years 6. No. 10. Pp: 325-356. DOI: <https://doi.org/10.22054/ls.2019.39023.1179>.
- Jami, 'A. (2013). Baharestan. Tashih-e Hadi Akbarzadeh. Mashhad: Entesharat-e Astan-e Ghods-e Razavi.
- Mozaffari, A.R. & R. Goodarzi. (1978). Barresi va Moghayese-ye Mohtava'i va Balaghi-ye Baharestan-e Jami ba Gholestan-e Sa'di. Faslname-ye Adabiyya. Year 4. No. 11. Pp: 53-80. [in persian]
- Rezvantalab, P. & N, Amini. (2018). Barresi-ye Moghayese'i-ye Gholestan-e Sa'di Ba Baharestan-e Jami. Faslname-ye Baharestan-e Sokhan. Years 15. No 40. Pp: 37-60. [in persian]
- Sa'di, M.A. (1989). Golestan-e Sa'di. Moghaddame va Tashih-e Gholamhosein Yoosefi. First Edition. Tehran: Sokhan.
- Safavi, k. (2011). az Zabanshenasi be Adabiyyat. Vol. 2. 3th Edition. Tehran: Pazhooheshkade-ye Farhang va Honar-e Eslami.
- Sarfaraz, S. (2015). Barresi va Moghayese-ye Mohtava'i va Balaghi-ye Baharestan-e Jami ba Gholestan. Payanname-ye Karshenasi Arsha. Be Rahnama'i-ye Mohammad Mir. Daneshkade-ye Adabiyyat Va 'Oloom-e Ensani. Daneshgah-e Zabol.
- Tabibzadeh, O. (2013). Dastoor-e Zaban-e Farsi bar Asas-e Nazariye-ye Ghorootha-ye Khodghardan. 2th Edition. Tehran: Nashr-e Markaz.